

عطار بزرگ



عطار نیشابوری فریدالدین ابوحامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحاق عطار نیشابوری تاجیک ایرانی (زاده 540 - درگذشته 618 هجری قمری) شاعر و حکیم مشهور در قرن ششم و آغاز قرن هفتم می زیسته است .

بر اساس متون تاریخی پدر وی دارو فروش بود و فرید الدین کار وی را دنبال کرد. و در دارو خانه خویش سرگرم طبابت بود. او با آموزش همه جانبه ای که از معرفت نیاکان مان بدست آورده بود در همان آوان دگرگونی بزرگی در فکر و اندیشه وی رخداد و بر بنمایه این آموزش موفق شد که رویکرد های عرفانی خود را بنظم در آورد . غزل های عطاریکی از شازترین روند تکامل غزل عرفانی فارسی به شمار می آید .

عطار تکیه برکنه شیوه های کهن معرفت عرفانی سرزمین نیاکان ما ، قسمتی از زندگی خود را بر رسم سالکان طریقت راه حق ، سیر در آفاق و انفس ، یعنی تفکر در ارزشهای وجودی انسان و شناخت دقیق هستی گذرانید و از مکه تا ماوراء النهر بسیاری از عرفا و مشایخ را زیارت کرد. وی با استفاده از تجارب دست یافته سیر و سلوک ، آثار بسیار گرانبه ای را به اخلاص به میراث گذاشت ، و از آنجمله :

1 - تذکره اولیاء : تذکره اولیا کتاب عرفانی است در 72 باب ، که در شرح احوال و زندگی و اندیشه ها و سخنان بزرگان اولیاء و مشایخ کبار نیاکان ما می پردازد. در این بخش ما برخی از گونه هایی شباهتی معرفت عرفانی عطار را با نگرش عرفانی خواجه عبدالله انصاری بتأمل می گیریم .:

شباهت های معرفت عرفانی عطارنیشابوری و خواجه عبدالله انصاری

انگیزه معنوی انتخاب راه زهد و تقوی و گوشه گیری عطار تحول روحی و راز درونی ای است که در عمر او برایش رخ داد و به عرفان روی آورد.

عطار در این برهه از زمان که سرمایه بزرگی از دانش و معرفت فرهنگ پیر سرزمین نیکان ما اندوخته بود اندیشه ها و رویکرد های فکری عرفانی خود را در قالب کلام موزون و برافشاننده در آورد و با این کار بزرگ توانست که گنجینه معرفت عرفانی اسالفش همچو شایق بلخی ، ابراهیم ادهم و بایزید بسطامی ، ابوسعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و سنائی غزنوی را با تفکر نبوغانه خویش غنای سازد .

عطارنیشابوری قسمی که در فوق تذکر رفت زندگی خود را بر رسم سالکان طریقت به سیر آفاق و انفس گذراند و با استفاده از ممکنات آثار بس پرارزشی را بوجود آورد بقرار ذیل اند:

- تذکره اولیا

- اشترنامه عطار

- بند نامه عطار

- بی سر نامه عطار

- بلبل نامه عطار

- سی فصل عطار

- وصلت نامه عطار

- منطق الطیر عطار

- اسرار نامه عطار

- رابعه نامه عطار

- مصیبت نامه عطار

- مطهر الغیب عطار

- خسرو نامه عطار

- مختار نامه عطار

- نزهت نامه عطار

منطق الطیر که یکی از مثنوی های ناب عرفان عملی و نظری خراسان بشمار می آید. عطار در این اثر منظوم مفاهیم عرفانی و شناختن راز های هستی را با الهام از کتب " منازل السائرین " و " صد میدان " خواجه عبدالله انصاری ، در هفت منزل طلب ، عشق ، معرفت ، استغنا ، توحید ، حیرت و فقر - بتشریح می گیرد . 1

عطار در این بیان عرفانی تلاش می ورزد تا سیر و سفر سالم به سوی شناخت - و کمال حق را در دائره داستان تمثیلی " سی مرغ " به تصویر کشد. عطار در بیان داستان عرفانی " سی مرغ "

از شیوه های نگرش عرفان عملی مقامات معنوی " سالک طریق " خواجه عبدالله انصاری نیز سود می برد.

با تفاوت اینکه در سیستم فکری انصاری شناخت موضوع اندیشه و جهان بینی وی را درک حقایق از گونه های صفایی نفس احتوا می کند که توسط سالک طریق بعد از وصل وصال به ذات حق و مقام توحید دست می دهد.

نزد انصاری " حقیقت " ، ذات حق است و آن بوسیله عقل عملی غیر قابل شناخت می باشد. او می افزاید که سهم و قدرت تفکر انسان منحصراً وسیله شناخت در رسیدن به منزل مقصود سالک طریق برجسته شده است ، نه در شناخت حقیقت مطلوب.

اما در نگرش داستانی دریافت " سی مرغ " ، نزد عطار " شناخت حقیقت " هدف است که در دنیای درون انسان قرار دارد و او آنرا قابل شناخت می داند .

مگر اودر این بحث قدرت مغز و خلاقیت تفکر انسان را در شناخت " حقیقت " برجسته ساخته و مراحل گذار از وادی هفت گانه سیر پرواز ، که همانا روند بستر شناخت است ، تفکر را یکی از وسایل دست یازی به کشف " حقیقت مطلق " می داند که همان " سی مرغ " یا " مقام حق " است.

عطار در شرح این سخن آورده است :

من زبان و نطق مرغان سر به سر

با تو گفتم فهم کن ای بی خبر

در میان سالکان مرغان درند

کز قفس پیش از اجل بر می پرند 2

منظور عطار در این داستان شناخت " حقیقت " یعنی " خدا " است ، که در درون هر انسان وجود دارد و این سخن در زینه بالاتر یعنی آنکه خدا در درون ماست! کافی است آن را بجوییم تا بیابیم. 3

اسلوب خدا شناسی عطار در بیان " داستان سیمرغ " در هفت منزل سیر پرواز بسوی مقام حق ، از دید معرفت عرفانی و بارمعنایی : مفهوم ها ، مقصود ها ، دیدگاه ها ، اصل ها و رشته ها و مدلول ها و مضمون ها؛ با آموزش عرفانی و خدا شناسی انصاری در کلیت شباهت زیاد دارد . خواجه عبدالله انصاری در پیش سخن رساله " صدمیدان " در مورد مینویسد ... " :

و آن هزار مقام منزلهاست که روندگان بسوی حق می روند ، تا بنده را درجه درجه می گذرانند و بقبول و قرب حق تعالی مشرف می شوند ، یا خود منزل منزل قطع می کند تا منزل آخرین که آن منزل ایشان را مقام قرب است ؛ ... " 4

افق اندیشه عطار چراغ های رابطه روشن فرآیند شناخت حرکت و زمان و مکان (وسایل شناخت) نیروی تفکر انسان (و ممکنه های راه رفت به سمت حقیقت) نیروی عامل و فضای پرواز (موضوع شناخت) " دریافت حقیقت " را بانگاه ژرف مورد تأمل قرار می دهد .

و در این دآوری عطار معکوس اسلوب معرفت عرفانی خواجه عبدالله انصاری ، راه معرفت عقلانی را جاگزین اسلوب ارزشهای ایمانی و باطنی می سازد.

و طرح های نوین شیوه داستان عرفانی را به نسل های پسین مبتنی بر شناخت دنیای نهان آدمی هموار می سازد .

عطار در آموزش و نگرش عرفانی خویش عشق را در بر بستن کامل آن با درد معرفی می کند .

از نظر وی " عشق و درد " چنان باهم در آمیختگی دارند که " آغاز و انجام " این دو ریشه متناسب به اصل همدیگرند .

گر تو هستی اهل عشق و مرد راه

درد خواه و درد خواه و درد خواه 5

مرام این رویکرد در اندیشه عطار نه نفی اسلوب راهکار های عقلانی و توسل به خواست های احساسی دنیای نهان وجود است. و نه شرح انتخاب راه درد برای سالک حق جو .

او " درد " رایکی از ابعاد راه رسیدن به کمال مطلوب می ستاید . مگر در رسیدن به کمال مطلوب " عشق " و " اراده " را باهم تلفیق می دهد و به اولویت داشتن " درد " همچو بستر دستیابی هدف تأکید می ورزد .

عطار با اندیشه های عرفانی خویش تلاش می ورزد که گونه های درمان بی دردی اهل زمانه اش را درمان نماید . او باین بینش دانشورانه مشکل " از خود بیگانی " احساس " عدم درد شناختی " انسان را برای زمانه اش برجسته می سازد . عطار در این جا مشکل از خود بیگانگی احساس بی دردی را مترادف به بی تفاوتی و ناآگاهی از شناخت اهمیت همزیستی و همبستگی مردم دانسته ، ب فکر او یکی از گزینه های فهم رهایی از بی دردی انسان ، تقرب وی به درد عشق ، درد خدا ، و درد دین می باشد.

یعنی روند بیداری اندیشه درد شناختی ، رهایی تن از تعلقات دنیایی ست . که انسان میتواند به التزام سجایایی اخلاقی و پاکیزگی نفس وارد مقام خلافت الهی گردد.

می رود تا تن کند با جان بدن

در رساند تن به جان ، پیش از اجل 6

آن عشقی را که عطار به توصیفش می پردازد نیروی خارق العاده ای است که شور و هیجان می آفریند و آتشی را در دل سالک راه حق ایجاد می کند که شعله های آن هرچه را که غیر از حق در دل است می سوزاند و آنچه می ماند تجلیات حق است و محبت او .

عشق چیست از خویش بیرون آمدن

غرقه در دریای پر خون آمدن 7

این اندیشه عطار با وضاحت ویژه از شرح مرتبه " جمع " سیر سالک بسوی حق تعالی ، از خواجه عبدالله انصاری دانش گرفته است . زیرا در مقامات معنوی انصاری - جمع بمعنی اشاره است بحق بدون خلق . سالک در این مقام با دو موضوع متضاد روبرو است یک موضوع جمع و یک موضوع تفرقه . در راه در تفرقه است در منزل در جمع . در راه ، خلق را جدا از خدا می بیند ، در جمع تنها خدا می بیند . با الهام گیری از اندیشه انصاری ، عطار منبع پیدایی عشق را شعله ای می داند که از روی محبوب در دل تابیده ، وسیلاب عشق را در دل آفریدگان جاری ساخته است .

یک شعله آتش از رخ تو بر جهان فتاد

سیلاب عشق در دل مشتکی خراب بست 8

در آموزش عرفانی مقام معنوی " نهایت " خواجه عبدالله انصاری ، حال سالک از معرفت به وصول توحید است . این مقام سیر سلوک عرفانی خود دارای ده جزء می باشد که مقوله عرفانی فناء بمتابیه مقام معنوی سیر سالک بسوی حق در رویکرد های فکری عارف فرهیخته خواجه عبدالله انصاری مورد بازشناختی قرار گرفته است که منظورش فنای ذات است ، زیرا در فنای ذات سالک بکمال مطلوب رسیده از قید اسارت نفس آزاد میگردد .

عطار آشکارا از آموزش عرفانی خواجه استفاده برده و- " فناء در عشق را سرمایه عمر جاویدان می داند و عاشق نیز باید چون معشوق بی نشان شود . " 9

او " اصلاً شرط وصال را فناء می داند ، تا عاشق از خویش فانی شود حق از غیرت ، جمال ننماید . " 10

وحدت وجود از نظر عطار ، هم سنخی خاصی با نگرش انصاری دارد : عطار در اندیشه وحدت وجود خود و فنای جزء در کل از هر اتحاد و حلول بیزاری می جوید و بگونه ای مطلق معتقد به استغراق جز در کل است . او معتقد است که کثرت امر اعتباری است و وحدت امر حقیقی ، عالم نیز در عین کثرت واحد است .

عطار وحدت را وحدت عددی نمی داند . و کثرت را گونه ای از صورت وحدت وجود می انگارد . با این رویکرد او بُعد دیگری از وحدت وجود را با تأثیر پذیری اندیشه های عرفانی اسلافش مورد باز شناختی قرار می دهد . 11

مطلب وحدت وجود در عرفان انصاری به نحو دیگری شرح می گردد . باین معنا که سالک راه خدا در شهادت بتوحید ، بدلیل محتاج نباشد ، در تسلیم ، بسبب نیازی پیدا نکند ، و برای نجات خویش بوسیله ای - توسل نجوید .

پیر طریقت باری ، توحید را خارج از حیطة عقول دانسته و در قالب نثر مسجع آنرا چنین تعریف مینماید " : توحید آن نیست که او را یگانه خوانی ، توحید آنست که او را یگانه دانی ، توحید آن نیست که او را بر سر زبان داری ، توحید آن است که او را در میان جان داری ، ... " 12

منابع و مأخذ

1- رجوع شود به صفحه (صفحه اصلی کتابخانه

2 - رجوع شود : (- Vereinigte Staaten - /.../p... - farasatkah.blogspot.com)

3 - رجوع شود به صفحه (: صفحه اصلی کتابخانه.net.tebyan >)

4 - رساله " صد میدان " ، خواجه عبدالله انصاری ، باهتتم قاسم انصاری ، چاپ دوم 1360 خورشیدی ، صص 06 - 17

5- رجوع شود به : مصیبت نامه عطار به تصحیح استاد شفیعی کدکنی /مسعود رضوی فقیه ، ویا صفحه انترنتی : مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

-persian.www) language.org/criticism-1613.html -

6 - کتاب " صدای بال سیمرغ " ، مؤلف : عبدالحسین زرین کوب ، ناشر: سخن ، سال 1386 ، ص 168 ، رجوع شود به مصیبت نامه عطار / 59

7 - کتاب : (عشق در عرفان اسلامی) از بایزید تا جامی (، مؤلف : کامیاب تالشی ، نصرت الله ، ص 205 . و رجوع شود به : دیوان غزل عطار / 531 / بیت 16.

8 - کتاب : اندیشه عرفانی عطار ، مؤلف : احمد محمدی ، ص 94 . و رجوع شود به آثار : " دیوان عطار ، بیت 7 ، غزل 39 " و اثر : " اصطلاحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار " ، ص 426

9 - (دیوان عطار 9 - 10) - www.ido.ir/a.aspx?a=1387012502

10 - (بیت 100 دیوان غزل 105)

11 - مرکز بزرگ اطالع رسانی آل بیت. - www.al-shia.org/html/far/books/.../81.htm

12 - کشف اسرار وعده ابرار ، تفسیری از قرآن اثر ابوالفضل رشیدالدین میبیدی ست ، ج 3 ص 396 ؛ مقولات ، ص 6 .